



آشوب و فروشان



آشوب و فروشان!

ما دخالت سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان های به اصطلاح مدافع حقوق بشر را در امور داخلی ایران محکوم می کنیم و از مستر «مالکوم سمارت»، مدیر بخش خاورمیانه سازمان عفو بین الملل می خواهیم، به بهانه حمایت از مخالفان حکومت اسلامی مزورانه از «قانون شکنی» و «قانون شکنان» حمایت نکند. سازمان عفو بین الملل با اتخاذ این موضع فریبکارانه دو هدف مشخص را دنبال می کند: چراغ سبز به حکومت اسلامی برای سرکوب مخالفان، و تشویق قانون شکنی.

در ضمن، کسانی که برای برنده شدن در مناقصه های حکومت اسلامی یک پا در سازمان برنامه و بودجه گورکن ها دارند و سی سال است که با پرداخت رشوه شرکت های شان را سرپا نگهداشته اند بهتر است کلاس های «تدریس» حقوق بشر شان را تعطیل کنند و به ما «درس» ندهند. ما نامه سرگشاده کذا

را امضا نمی‌کنیم. در واقع ما هنوز به این درجه از فهم و شعور و کمالات نرسیده‌ایم که برای تأمین حقوق انسانی ایرانیان - زندانی یا اسیر حکومت - هم‌صدا با امثال حاج سیدجوادی و شرکاء خوش‌نام‌شان به دبیرکل سازمان رسوای ملل متوسل شویم. سازمانی که آشکارا از فاشیسم یا «حقوق بشر دینی» حمایت به عمل می‌آورد. «نامه‌نویسان» کذا بهتر است پیش از «امر به معروف» با عملکرد این سازمان رسوا آشنا شوند.

البته نیازی نیست که تاریخچهٔ درخشان سازمان کذا را از آغاز تا امروز مطالعه کنید، فقط به یاد داشته باشید که در برنامهٔ «خوراک و دارو در برابر نفت» ویژهٔ کشور عراق، مقامات این سازمان رسوا میلیون‌ها دلار حیف و میل کرده‌اند بدون آنکه پاسخگوی اعمال خود باشند. به این نکتهٔ پیش پا افتاده هم اشاره کنیم که این سازمان با حضور جنایتکاری به نام سعید مرتضوی در نشست «حقوق بشر» موافقت کرده است. ارسال این نامه‌های «سرگشاده» نشان هر چه باشد دفاع از حقوق انسان‌ها نیست، خیانت به ملت ایران است. باز هم سرنا را از سر گشادش می‌زنید، بدون اینکه در نظر بگیرید «جنگ سرد» به پایان رسیده و سازمان ملل، به عنوان چوبدست ایالات متحد هرگز مدافع حقوق بشر نبوده. این تهمت‌ها به این سازمان «شریف» نمی‌چسبند!

پیش از ادامهٔ مطلب در مورد وبلاگ «طاعون سرخ» توضیح دهیم که مطلب سایت «پیک ایران» به سخنرانی «لنین چاه جمکران» در «جمع فوروم کتابخانهٔ انقلاب» اشاره داشت، حال آنکه کتابخانهٔ کذا در واقع یک کتابفروشی فکسنی در نیویورک است که گویا توسط داس‌الله «مائوئیست» اداره می‌شود. جالب این است که مائوئیسم یک نظریهٔ سرکوب «بومی» است و تاکنون داعیهٔ انقلاب جهانی نداشته. بنابراین «برادران» پیش از ارجاع به «لنین» و سردادن عریدهٔ «انقلاب

جهانی» لازم است از تفاوت‌های اساسی لنینیسم و مائوئیسم آگاه باشند تا هنگام لگدپرانی، و ارائهٔ برنامهٔ «سیاسی» یعنی همان تبدیل ایران به «سکوی پرش» انقلاب آنهم انقلاب «مید. این. یو. اس» بیش از این‌ها مضحکه نشوند. حال بازگردیم به مواضع مزورانهٔ سازمان عفو بین‌الملل که همچون دیگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای حقوق بشر غرب با نقاب دفاع از حقوق بشر در واقع از سرکوب و قانون‌شکنی حمایت می‌کند.

به گزارش صدای آمریکا، در پی اظهارات علی‌خامنه‌ای پیرامون آشوب‌های پس از انتخابات، سازمان عفو بین‌الملل در کمال بیشرمی دفاع‌خامنه‌ای از قانون حکومت اسلامی را محکوم کرد. پیش از ادامهٔ مطلب یادآور شویم، به دلیل قانون‌شکنی میرحسین موسوی و کروبی عده‌ای از ایرانیان به قتل رسیده‌اند، در ثانی «نمایش» اعترافات از پیش تعیین شدهٔ «زندانیان تزئینی» این توطئه همچون اعترافات حجاریان، خط تصفیة «فرهنگی» حکومت را مشخص کرد، و نمایش «استفتاء» دیگر مخالف‌نمایان همچون آخوند کدیور از آمریکا، یا سخنان ابلهانهٔ شیرین عبادی عملاً بر تداوم بحران هسته‌ای تأکید داشت. و از همه مهم‌تر، مواضع میرحسین موسوی در مخالفت دروغین با آمریکا، حمایت آشکار این گروه از «گسترش بحران هسته‌ای» و تداوم تحریم‌ها را نشان داد. به همین دلیل، دست در



دست مخالف‌نمایان طاعون‌سبز، رسانه‌های فارسی‌زبان و رادیوهای بیگانه مطالبات استعماری خود، به ویژه تداوم بحران هسته‌ای را از زبان اینان به خورد ما می‌دهند. پاسدار شریعتمداری در کیهان نیز برای‌شان پامنبری می‌خواند و «مذاکرات ژنو» را به زیر سؤال می‌برد، و هم‌صدا با پاسدار ال‌لاریجانی از توافق‌های «وین»، که هنوز جزئیات آن نیز فاش نشده، شدیداً انتقاد به عمل می‌آورد! شاهد بودیم که رسانه رسمی حکومت اسلامی با انتشار هذیان‌ات «اکبر اعتماد» در بی‌بی‌سی رسمی رسماً برای خروج از «ان. پی. تی» فتوی صادر کرد!

در وبلاگ «اوباش هسته‌ای» به موضع‌گیری مزورانه حناز چوبه اشاره کردیم و گفتیم بازنده اصلی پایان بحران هسته‌ای حاکمیت انگلستان خواهد بود. بازگشت پیش از موعد پاسدار لاریجانی از ژنو دلیل داشت. توافق آمریکا، روسیه و فرانسه در «وین» غلامیچگان سفارت، به ویژه نژادحسینیان را سخت آشفته کرد! اما پیامدهای کودتای ناکام انتخابات به این مختصر ختم نمی‌شود. حکومت اسلامی برای توجیه مذاکره با ارباب به «دیدارهای پنهان» محمد خاتمی با جرج سوروس و خاطرات «رایان کروگر» متوسل شده، تا به ما بگوید حکومت اسلامی در دوران ریاست خاتمی نه تنها با آمریکا تماس داشته که برای اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش یانکی‌ها سخت مشتاق و پریشان بوده!

البته برای دانستن این واقعیت نیازی به افشاگری‌های «جرج سوروس» و «رایان کروگر» نداشتیم. روابط ایالات متحد با نوکران‌اش در جمکران از همان روز ۲۲ بهمن ۵۷ برقرار بود و هرگز قطع نشد! قطع این روابط همچون خروج ظاهری دولت خیابانی شیخ مهدی از پیمان استعماری «سنتو» فقط یک رخداد رسانه‌ای، یا بهتر بگوئیم یک شایعه احمق‌فریب

بوده. در واقع حکومت اسلامی پیرو همان سیاستی است که استعمار بریتانیا از سال ۱۹۲۱ توسط کلنل آیرون‌ساید برای ایران تعیین کرد: شعار «استقلال» از شرق و غرب، برای تأمین منافع غرب در برابر اتحاد جماهیر شوروی! روشن‌تر بگوئیم از سال ۱۹۲۱ کشور ایران به زباله‌دان آنگلو ساکسون‌ها تبدیل شده: حکومت نظامی، فتوی، ترور، آشوب، سرکوب، کودتاهای مخملین، جنگ و نهایت امر بحران‌های کاذب پیرامون هیچ! چرا راه دور برویم؟ تبلیغات انتخاباتی و کودتای ناکام انتخابات تحت نظارت کدام سفارتخانه سازمان یافت؟ سفیر بدون «استوارنامه» انگلستان «سایمون گاس»، که در کشور کودتاخیز یونان دوره تخصصی را با موفقیت کامل گذرانده و به صورت غیرقانونی مدت ۵ ماه در ایران حضور داشت فرمانده این بحران‌سازی بود.

پس از شکست کودتا، قوه قضائیه مفلوک جمکران، برای کارمند ایرانی سفارت انگلستان «حکم» صادر می‌کند، در صورتیکه دولت قدر قدرت جمکران استوارنامه همین سفیر بریتانیا را با خوشروئی می‌پذیرد! بله، در قاموس سگ‌های هار استعمار، پذیرش استوارنامه رهبر اصلی آشوب را استقلال و عزت و اقتدار خوانند. البته در دوران اقتدار و عزت محمد خاتمی هم «نیکولاس براون» عضو شریف روتاری کلاب و طراح «حماسه دوم خرداد» استوارنامه خود را به فاشیست اردکان تقدیم کرد که سابقه «خدمت» در «کیهان» و «وزارت ارشاد» دارد. امروز همین محافل می‌خواهند خاتمی را به



اسلامی گفتگو با گروه کشورهای ۱+۵ را پذیرفته است و هیچ گونه مذاکره دوجانبه‌ای میان ایران و آمریکا در رابطه با روابط دو جانبه صورت نگرفته است.»

بله! مذاکراتی «پیش آمده»، ولی در واقع هیچ مذاکره‌ای پیش نیامده، چرا؟ چون سی سال است که بوق‌های سازمان ناتو می‌کوشند با توسل به پروپاگاندا «لولوسازی» دولت دست‌نشانده‌شان را «تهدیدی برای بشریت» معرفی کرده، با تجزیه ایران در سواحل خزر لنگر بیاندازند. فعلاً موفق نشدند، اما همین سیاست را می‌توان در عراق اعمال کرد. کافی است قدرت را به گروه مقتدی صدر بسپارند و بحران هسته‌ای را به عراق منتقل کنند. می‌بینیم به محض اینکه فرانسه ناچار شد در مورد بحران هسته‌ای دست‌ساز جمکران تغییر موضع دهد، روزنامه «گاردین»، سخنگوی حزب حاکم کارگر اعلام داشت، عراق قصد احیای برنامه اتمی ملی خود را دارد! البته دولت عراق در این مورد اظهار نظر نکرده، ولی «کارفرمایان» گاردین می‌دانند عراق چه باید بخواهد! چه باید بخواهد تا منافع آنان بهتر تأمین شود. نووستی، مورخ ۶ آبان ماه ۱۳۸۸، گزارشی از «گاردین» منتشر کرده که بر اساس آن، حکومت عراق خواهان از سرگرفتن برنامه هسته‌ای خود شده است!

عنوان سمبل «دفاع از آزادی» و «دمکراسی» به ما ملت حقنه کنند.

اگر این دولت به اندازه یک مورچه از آزادی و استقلال برخوردار بود، همان روز ۲۳ خردادماه که در تهران خردجال به راه انداختند، «سایمون گاس» را به دلیل اقامت غیرقانونی از ایران اخراج می‌کرد. سی سال است به نوکری آنگلو ساکسون‌ها مشغول‌اند، و با شعارهای پوچ «نبرد با آمریکا» و «نبرد اسرائیل» ملت ایران را سرکوب می‌کنند، اما شهامت ندارند مذاکرات‌شان را با آمریکا و اسرائیل آشکار کنند. چرا؟ چون سیاست اربابان در لندن و واشنگتن چنین اقتضا می‌کند که یک «افیونی» به نام پاسدار شریعتمداری به ما بگوید، مذاکره با آمریکا منافع ملی «ما» را تهدید می‌کند! آیا کسی تا به حال چنین سخنان ابلهانه‌ای شنیده است؟ مسلماً نه! این مزخرفات فقط از زبان نوکران آمریکا به گوش می‌رسد، از زبان آن‌هایی که می‌ترسند «پرستیژ» ارباب بر اثر مذاکره با دولت گورکن‌ها خدشه‌دار شود.

حناز چوبه، مورخ ۵ آبانماه در گزارشی با کد: ۷۵۴۱۴۷ می‌نویسد، در دوران خاتمی ارتباط پنهان برقرار بوده ولی در مذاکرات ژنو هیچ مذاکره دوجانبه‌ای بین ایران و ایالات متحد پیش نیامد، و اگر هم پیش آمده در حاشیه مانده، و فقط به این دلیل بود که «نظام» مذاکره با گروه «۱+۵» را پذیرفت:

«اگر گفتگویی میان هیات ایرانی و آمریکائی در حاشیه مذاکرات ژنو پیش آید [آمده]، به این دلیل است که نظام



به همین دلیل است که پس از مذاکرات ژنو در تاریخ اول اکتبر ۲۰۰۹، همزمان با انفجار پل ارتباطی سوریه با عراق، ساختارهای دولتی و امنیتی این کشور هدف عملیات تروریستی قرار می‌گیرد و مجلس «نمایندگان» عراق هم از تصویب قوانین مربوط به انتخابات ۱۶ ژانویه عاجز می‌ماند! برای تداوم بحران نان و آبدار «هسته‌ای» لازم است اوباشی همچون مقتدی‌صدر و حکیم بجای گروه نوری‌الملکی بنشینند که طعم اسلام ناب را بیش از پیش به ملت عراق بچشانند. پس سازمان عفو بین‌الملل بجای دخالت در امور ایران و حمایت از قانون‌شکنی بهتر است آماری از جنایات ارتش انگلستان در عراق و افغانستان تهیه کند و به ما بگوید چرا اشغالگران دست ارادل و اوباش حکیم و مقتدی صدر را برای آدم‌ربائی و باج‌گیری و تجاوز و کشتار در عراق باز گذارده‌اند؟ یا اینکه چرا از همکاری صمیمانه ارتش بریتانیا با طالبان در افغانستان و پاکستان برای مان‌گزارشی ارسال نمی‌شود. مسئولین سازمان عفو کذا بهتر است توضیح دهند چرا ارتش پاکستان در «وزیرستان» فقط با «یک گروه» از طالبان می‌جنگد و با دیگر گروه‌های طالبان کنار آمده و همکاری می‌کند؟

روزنامه لوموند، مورخ ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹، در یک گزارش مفصل تحت عنوان «استراتژی مبهم پاکستان در وزیرستان» از این همکاری‌های صمیمانه سخن می‌گوید، به جزئیات آن در فرصت دیگری اشاره خواهیم کرد. اما این سازمان مدافع حقوق بشر می‌تواند در مورد چند صد عراقی و افغانی متقاضی پناهندگی از دولت انگلستان تحقیق کند و به ما بگوید چرا به اخراج اینان اعتراض نکرده؟ «فرهنگ ۱۷ هزار ساله» بر زبان‌تان قفل زده، یا ابعاد توحش دولت کارگری چشم‌تان را خیره کرده؟ افغان‌ها و عراقی‌ها چه دلیلی برای فرار از کشورشان دارند؟ مگر نه این است که حاکمیت انگلستان با

کمک آمریکا خاک‌شان را به توپره کشیده؟ چرا به اعمال خلاف قانون انگلستان در این کشورها اعتراض نمی‌کنید که دفاع خامنه‌ای از قانون را نکوهش می‌فرمائید؟

ملت ایران شما را به عنوان «وکیل مدافع» برگزیده؟ مسلماً خیر! ملت ایران ابله نیست. دست سازمان‌های مدافع حقوق بشر غرب رو شده. همه می‌دانند شما بشردوستان، حقوق‌بشر را به ابزار اعمال فشار به دولتی تبدیل کرده‌اید که بدون حمایت کشورهای متبوع‌تان حتی یک روز هم در برابر ملت ایران نمی‌تواند سرپا بماند. حتماً می‌فرمائید غیردولتی هستید! شاید! ولی خارج از حاکمیت نیستید و بدون برخورداری از کمک‌های مالی و امکانات دولتی نمی‌توانید سوپر مارکت حقوق بشر افتتاح کنید. در پناه اشغال نظامی، تمام کمک‌های بین‌المللی به افغانستان به حساب سازمان‌های «غیردولتی» غرب سرازیر شده، بدون اینکه ملت افغانستان از این کمک‌ها بهره‌مند شود؛ در عراق هنوز آب آشامیدنی و برق تأمین نشده که «گاردین» هوس برنامه هسته‌ای کرده. ما از سازمان عفو بین‌الملل و شرکاء کمک نخواسته‌ایم، و معتقدیم حکومت اسلامی «موظف» است قوانین خود را رعایت کند و از نظر حقوقی هیچ سازمان و تشکیلی نمی‌تواند از «اجرای قانون» توسط یک حکومت انتقاد به عمل آورد. پس بهتر است شما حرف‌تان را پس بگیرید، چون از نظر حقوقی مهمل می‌گوئید.



«مقامات ایران در برخورد با حوادث پس از انتخابات [...] به طور مکرر اصول اولیه حقوق بشر را زیر پا گذاشته‌اند و قصد دارند مانع اظهار نظر مردم خود و ساکت کردن آنها شوند.»

ما معتقدیم شما هم بهتر است حرف‌تان را پس بگیرید. این حکومت به عنوان یک «تئوکراسی» هرگز نمی‌تواند حقوق بشر را به رسمیت بشناسد، چه رسد به اینکه آن را رعایت هم نکند. برخلاف شما که حقوق بشر را رعایت نمی‌کنید ولی ژست‌اش را خوب می‌گیرید، این حکومت هرگز حقوق بشر را قبول نداشته؛ و علیرغم رد رسمی مبانی حقوق بشر، سه دهه است از حمایت‌های آمریکا برخوردار می‌شود. امروز، ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹، روز گرامیداشت قربانیان تصفیه‌های خونین استالین در روسیه است. اگر روزی شر حکومت اسلامی از صحنه سیاست کشور ایران کنده شود، برای گرامیداشت قربانیان توحش حکومت «ولایت» نام همکاران و هم‌سفره‌ای‌های یانکی و سازمان‌های غربی مدافع حقوق بشر را نیز منظور خواهیم کرد.

اعتراض به نتیجه انتخابات روند قانونی دارد، نه خیابانی. اظهارات خامنه‌ای هم بر خلاف ادعای سازمان شما از روی ناچاری صورت گرفته، نه به دلیل قانون‌گرایی این فرد! از این گذشته «مخالفت مشروع» با حکومت اسلامی از نخستین روز استقرار رسمی این حکومت جرم به شمار می‌آید، چرا که این حکومت یک «تئوکراسی» است و خود را الهی و مقدس می‌شمارد در نتیجه مخالفت با آن مخالفت با خدا خواهد بود. می‌بینیم که آنکه باید حرف‌اش را پس بگیرد چه کسی است:

«به دنبال اظهارات [...] علی خامنه‌ای که زیر سؤال بردن نتیجه انتخابات [...] را جرم بزرگی خواند [...] سازمان عفو بین‌الملل از رهبر ایران خواست تا این سخنان را پس بگیرد [...] مدیر بخش خاورمیانه عفو بین‌الملل می‌گوید اظهارات [...] خامنه‌ای [...] با هدف آن صورت می‌گیرد که ابراز نارضایتی از روند سیاسی کشور و همچنین مخالفت مشروع و صلح‌آمیز را جرم قلمداد کند [...]»

اتفاقاً تظاهرات مسالمت‌آمیز و «مخالفت صلح‌آمیز» هم به دلیل تقدس حکومت مجاز نیست! اصل ۲۷ قانون اساسی جمکران در این مورد «صراحت» دارد: شرط این است که مخل به مبانی اسلام نباشد! در ادامه این ژست‌های حقوق‌بشرفروشانه صدای آمریکا چنین می‌نویسد که مقامات ایران در برخورد با حوادث پس از انتخابات اصول اولیه حقوق بشر را پایمال کرده‌اند! به عبارت دیگر باید بپذیریم که مقامات ایران پیشتر، و در بزنگاه‌های پیشین اصول اولیه حقوق بشر را رعایت می‌کرده‌اند، حال آنکه قانون اساسی حکومت اسلامی خود از منظر حقوقی، ناقض کلیه مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این صدای آمریکا است که به بهانه دفاع از حقوق بشر چنین القاء می‌کند که حکومت سفاک جمکران تا پیش از انتخابات کذا حقوق بشر را رعایت می‌کرده. البته تعجیبی ندارد! تلویزیون همین رسانه، پیشتر برای «تکفیر» مدافعان حقوق بشر به یک جانور وحشی متوسل شده بود، و از زبان قاتل بهنود شجاعی می‌گفت، مدافعان حقوق بشر «خدانشناس‌اند»:

